

«کاهش مجازات حبس تعزیری»، به طور غیرمستقیم و به تبع تقلیل مجازات آدم‌ربایی از درجه سه به درجات چهار و پنج برحسب مورد، صلاحیت رسیدگی به این جرم نیز تغییر کرد و در نتیجه از یازدهم تیر ۱۳۹۹، رسیدگی به این جرم دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ نبوده و در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ خواهد بود. آیا این موضوع منجر به افزایش حجم پرونده‌های ورودی به دادگاه کیفری خواهد شد؟ راهکار اجرایی برای مدیریت این موضوع چیست؟

یکی از اساسی‌ترین ایرادات جدی و اساسی همین موردی است که در سؤال مطرح شد. در برخی از مجازات‌ها لازم است که برخورد قهرآمیز و بدون مماشات با آنان صورت گیرد؛ اما در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در دو مورد به این موضوع توجهی نشده است که می‌تواند خطرناک باشد؛ یکی مجازات جرم آدم‌ربایی و دیگری مجازات جرم ضرب و جرح عمدی است. در این دو مورد حکومت باید با برخورد قهرآمیز، امنیت خاطر را به جامعه بدهد که نیازمند مجازات‌های قوی و بازدارنده است.

لازم است هرچه سریع‌تر قانون کاهش مجازات در رابطه با این جرائم اصلاح شود؛ زیرا این دو جرم خشونت‌بار هستند و موضوع به امنیت و آسایش مردم مربوط می‌شود و مجامع بین‌المللی و حقوق بشری نیز با این‌گونه مجازات‌ها توصیه به مماشات نمی‌کنند. در واقع این کاهش قابل توجه و تعجب‌آور مجازات آدم‌ربایی و ضرب و جرح در این قانون، قابل نقد جدی است.

نکته دیگر آن است که اگر نگاهی به آمارها داشته باشیم مشخص می‌شود تعداد افرادی که به دلیل آدم‌ربایی در زندان‌ها به سر می‌برند قابل توجه نیست و این اقدام مجلس از این جنبه قابل توجیه به نظر نمی‌رسد و تأثیری در جمعیت کیفری زندان‌ها نخواهد داشت. مماشات در این‌گونه جرائم زمینه تخریب بزهکار را به وجود خواهد آورد و جامعه در قبال این‌گونه جرائم خلع سلاح خواهد شد و نیازمند سیاست سخت‌گیرانه‌تر در این خصوص از سوی قانون‌گذار هستیم.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: با توجه به تورم قوانینی که در کشور وجود دارد و موجب اشکالات عمده‌ای در نظام حقوقی کشور

شده است، چرا قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در قالب اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی انجام نشد؟ آیا این موضوع دلایل حقوقی داشت؟

واقعیت این است که دلیل این امر را باید طرح دوفوریتی مجلس دانست. هرچند کمیسیون کلیت آن را رد کرد؛ اما صحن علنی به آن رأی مثبت داد و تمام جرائم تعزیری به جز برخی استثنای خاص مانند جاسوسی و مبارزه با مواد مخدر به نصف کاهش می‌یافت. طبیعی بود که قوه قضائیه با ورود به این موضوع تلاش کند که ایرادات طرح مجلس را کاهش دهد و از آنجایی که مجلس کلیات را پذیرفته بود، کمیسیون جزئیات نظرات قوه قضائیه را دریافت کرد و از لحاظ شکلی طبیعی بود که قوه قضائیه نظرات خود را در قالب همان طرح اعلام وصول کند.

قوه قضائیه باید پیشنهاد خود را در قالب همان طرح اعلام وصول دنبال کند؛ پس به لحاظ شکلی آن اتفاق افتاد، اگرچه به صورت منطقی قوه قضائیه هم به دنبال آن بوده است. بحث متناسب‌سازی مجازات‌ها و اینکه می‌بینیم در زمان خودش تناسب بین جرم و مجازات در لایحه تعزیرات دیده نشده و در حال تدوین است، درصدد انجام این اقدام بودیم. از لحاظ شکلی و عملی قوه قضائیه و مجلس با توجه به خواسته بعضی نماینده‌ها و تصویب دو فوریت کلیات این طرح، عملاً چاره‌ای جز این نبود که قوه قضائیه ورود کند و پیشنهادهای خود را به قوه قضائیه بدهد و مجلس هم اقدام عاجلی را در جهت کاستن از جمعیت کیفری زندان‌ها به انجام دهد، دلیل اجرایی به این شرحی که عرض کردیم داشت.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: نکات مثبت قانون کاهش مجازات حبس تعزیری از نظر شما شامل چه مواردی است؟

با بررسی کلی این قانون که در بخش‌های مختلف عرض کردم، اگر زمانی به دلایل مختلف کارشناسی لازم برای تعیین مجازات حبس انجام نشد، نباید این اقدام نسنجیده را با اقدام نسنجیده دیگری اصلاح کرد؛ زیرا در طرح دوفوریتی این مصوبه که ما الآن با آن مواجه هستیم، می‌توانیم بگوییم در مواردی سنجیدگی

را همچنان دارد؛ یعنی اگر به صورت کلی بگوییم که این قانون در راستای کم کردن مجازات حبس و کاستن از زندانیان بوده است، شاید در کوتاه‌مدت با کاهش مواجه باشیم؛ اما از آنجا که در برخی از موارد به صورت نسنجیده و بدون آنکه مبتنی بر اطلاعات آماری دقیق و کار تخصصی و کارشناسی این اصلاحیه را انجام داده باشیم، در میان‌مدت بزهکاری رو به افزایش خواهد رفت.

هرچند نقدهای اساسی به این قانون وارد است، اما نباید این قانون را به صورت یکسره سیاه دید. مواردی از این قانون به طور مشخص در رفع محدودیت‌هایی بود که قانون ۱۳۹۲ درباره تخفیف مجازات برای مجازات حبس ایجاد کرده بود و در آن قضات برای اینکه بتوانند برای مجازات حبس، جزای نقدی یا مجازات دیگری تعیین کنند، به نوعی دستشان را بسته و محدودیت در قانون ایجاد شده بود. در قانون جدید اصلاحیه در جرائم تعزیری درجه ۵ و ۶ به قضات داده شده است که بتوانند ضمن کم کردن یکی، دو درجه از مجازات، جزای نقدی متناسب با آن را هم تعیین کنند. این موضوع که در خصوص جرائم درجه ۵، ۶ و ۷ در عمل این امکان به قضات داده شده بتوانند مجازات حبس را تعدیل کنند، نکته مثبتی است.

یکی دیگر از نکات مثبت قانون کاهش مجازات حبس تعزیری سامان‌دهی نحوه توجه به حداقل و حداکثر مجازات‌ها است. قضات در برخی موارد تناسب لازم را رعایت نمی‌کنند. فلسفه قانون‌گذاری برای تعیین حداقل و حداکثر مجازات این است که قاضی شرایط مختلف را لحاظ کند و بنا به شرایط مختلف حداقل و حداکثر مجازات را تعیین نماید. در مواردی به این ملاحظات به صورت دقیق توجه نمی‌شود؛ برای همین در این قانون آمده است که اگر بناست مجازات بیش از حداقل داده شود، لازم است ادله‌اش نیز آورده شود. شاید محدود کردن به این کار چندان مطلوب نباشد؛ اما بین اینکه ما قضات را محدود کنیم یا بدون محدودیت بتوانند مجازات را بنا به سلیقه و دلایل غیرقابل قبولی از حداقل به حداکثر افزایش دهند، باید گفت، در مقایسه با آثاری که جرم به دنبال دارد محدود کردن قضات می‌تواند موجه باشد و از این جهت می‌توان اقدام قانون‌گذار را مثبت ارزیابی کرد.